

قش

شهر - جزیره‌ای با توانهای از یاد رفته

پیشدرآمد

در نشست‌های نه‌چندان از پیش برنامه‌ریزی شده، با شهردار جوان قشم گفتگو کردیم که در جاهایی، این گفتگو به میزگردی بدل شد که در آن علیرضا فراهانی مدیر عامل سازمان حمل‌ونقل قشم و مشاور شهردار و از انتشارات، مصطفی رستمخانی نیز شرکت داشتند. حاصل، گفتگویی شد که می‌خوانید.



علی بازماندگان
قشمی متولد
جزیره قشم
۱۳۴۹ خورشیدی.
دوره‌ی دبیرستان
را در زادگاهش به
انجام رساند. به
دانشگاه تهران
رفت و دانشجویی
کارشناسی را در
رشته‌ی جغرافیای
طبیعی به پایان
برد (۱۳۷۲). وی
دو بار پی‌درپی
شهردار زادگاهش
بوده و اکنون
بسیست‌ودومین
شهردار قشم
محسوب می‌شود.

آیا اسکله‌ها با شهر فاصله دارند؟

- خیر. اسکله‌ها کاملاً در دل شهر قرار دارند.

فاصله‌ی اسکله‌های نفتی از شهر چقدر

است؟

- اسکله نفتی کاوه (که البته فقط اسکله نفتی نیست و کاربری‌های دیگر هم دارد) با شهر قشم حدود ۳۰ کیلومتر فاصله دارد، اما اسکله‌های ترددی، در دل شهر قرار دارند.

اگر ما قشم را نهنگ کهنسالی بدانیم، چند شهر به جز سوزا بر روی این نهنگ سوار هستند؟

- لافت، سوزا، رمان، طبل و درگهان. در قشم با قدمت ۵۰ سال، می‌توان چهره‌ی یک شهر را کاملاً احساس کرد. اما درگهان بر حسب قانون شهر شده و در کل روستاست؛ با شرایط ایجاد شده، به آن شهر می‌گوییم.

هیچ وقت به فکر اتحاد شهرداری‌های این

جزیره افتاده‌اید؟

- البته. نقطه‌ی ورود و خروج ما شهر قشم است. بنابراین تمام روستاها و شهرهای جزیره به ناچار با هم ارتباط دارند.

گفتگو را با این پرسش آغاز می‌کنیم که جمعیت ثابت و شناور شهر قشم چقدر است؟

- سی هزار نفر، جمعیت ثابت و در قالب دانشگاه‌های ملی و سراسری، ۱۲ هزار نفر دانشجوی داریم. دانشگاه آزاد نیز با ۸ هزار نفر در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، پرجمعیت‌ترین دانشگاه در اینجاست.

آیا دانشجوی خارجی هم دارید؟

- آمار دقیقی ندارم.

شما قشم را یک شهر - بندر می‌دانید یا یک شهر؟ اگر چنین است، چه برتری‌هایی این شهر - بندر برای شما و شهردان فراهم کرده‌است؟

- قطعاً شهر - بندر است. شهر ما در نوک جزیره واقع شده و از شمال و شرق به دریا وصل است. عرض نوک جزیره به گونه‌ای است که کل عرض شهر را پوشش می‌دهد. پارک ساحلی و سینما دریا در جنوب و اسکله شهید ذاکری و بولوار خلیج فارس در شمال شهر قرار دارند.



شهر قشم با جمعیت نزدیک به ۳۰ هزار نفر، بر پوزه‌ی خاوری جزیره‌ی نهنگ شکل قشم، بزرگترین جزیره‌ی ایرانی خلیج فارس نهاده است، با آب‌وهوایی بسیار گرم و خشک.

جزیره‌ی قشم با گستره‌ی ۱۴۹۱ کیلومتر مربع با فرازای ۳۹۷ متر در بلندترین نقطه، ۱۰۷ کیلومتر درازا دارد و با شهرها و آبادی‌های کهنی مانند لافت، رمکان، سوزا و درگهان نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر را در خود جا داده است. این آبادی‌ها بر پهنه زمین‌های بیشتر نابار آور و نمکزار جزیره به خاطر جاذبه‌ی گردشگری، همگنی‌های ویژه‌ای با شهر قشم دارند و به راستی یک شهر - جزیره را می‌سازند.

شهر - بندر یک مزیت برای ما به حساب می‌آید، محدودیت زیادی نداریم. محدودیت‌های بندری بودن نسبت به محدودیت‌هایی که سازمان‌های دیگر برای ما ایجاد می‌کنند، پررنگ‌تر است. ورود و خروج ما از طریق بندر انجام می‌شود و گمرک باید اجازه خروج به ما بدهد. اما وقتی دقیق شویم، متوجه این موضوع خواهیم شد که مزایای بندری بودن، خیلی بیشتر از محدودیت‌های آن است.

مهم‌ترین مسئله بحث چشم‌انداز است. این چشم‌انداز توریست جذب می‌کند. وجود توریست، شهر و بازار را زنده می‌کند و به نظر من بازار قلب شهر است. با تبیین

به هر حال شهر قشم به لحاظ نزدیکی به مرکز استان و حضور تمام ارگان‌ها در مرکز شهر، به این ارتباط دامن می‌زند. مثلاً روستای لافت از طریق تردد خودرو با جزیره ارتباط دارد. در بحث حمل‌ونقل احساس نمی‌شود که در شهرهای دیگر، سازمان حمل‌ونقل دیگری به وجود آید. سازمان حمل‌ونقل قشم می‌تواند تمام شهرهای جزیره را پوشش دهد.

سوال: بومی‌گردیم به پرسش "اگر قشم شهر - بندر است، چه برتری‌هایی برای شما و شهرتان دارد؟ و چه مشکلاتی را برای شما داشته است؟"

این جریان، حدود ۱۷ سال است که اتفاق افتاده و تاثیرگذار بوده است.

قطعاً وقتی مزیت‌هایی وارد جایی می‌شوند، همراه با خود محدودیت‌هایی نیز می‌آورند. قشم هم از این محدودیت‌ها مستثنا نبوده. درآمدهایی که شهرداری قشم می‌توانست به دست آورد، اکنون سازمان منطقه آزاد آن را کسب می‌کند. از دیگر محدودیت‌ها، وجود شورا در شهر است. البته به عنوان یک نهاد قانونگذار محلی می‌تواند تأثیر خوبی در برنامه‌ریزی، حل مشکلات، هماهنگی بین مردم و فرهنگ‌سازی شهروندی داشته باشد، اما وقتی منطقه آزاد باشد، عملاً حضور شورا کم‌رنگ‌تر می‌شود.

جاده‌ی ساحلی جنوبی جزیره‌ی قشم، امکان دسترسی ما را به سواحل پکر جزیره فراهم کرده است.

منابع درآمدی را که این وضعیت برای شما فراهم کرده، چگونه است؟ اگر مشخص است، بیان کنید؟

بزرگترین محدودیت، درآمد است. منابع درآمدی که در شرایط عادی به حساب شهرداری می‌آمد، الان به حساب "سازمان منطقه‌ی آزاد" واریز می‌شود. مناطق آزاد به گونه‌ای در کنار شهر ایجاد شده‌اند که مزایای بیشتری خواهند داشت. به هر روی شهر نیز از منابع درآمدی منطقه‌ی آزاد برخوردار می‌شود. بنابراین شهری مانند چابهار که در کنار منطقه‌ی آزاد است، خیلی راحت‌تر از مزایای منطقه آزاد استفاده می‌کند تا شهری که کاملاً در محدودیت‌های منطقه‌ی آزاد است. این محدودیت مانع از کسب درآمد می‌شود.

به نظر شما این موضوع به تأسیس منطقه آزاد در قشم برمی‌گردد یا نه؟ فکر می‌کنم منطقه‌ی آزاد قشم جنبه‌ی صنعتی دارد یعنی با شهر تداخل نداشته است. ولی در اجرا، آن چیزی که مدنظر بوده محقق نشده است. آیا این را تأیید می‌کنید که اشکال در اجرای قضیه

آن، شهرداری قدرتمندتر خواهد بود. جزیره‌ای بودن به ما انگیزه‌ی حضور می‌دهد و این انگیزه باعث افزایش تلاش می‌شود.

جزیره و ساحلی بودن باعث می‌شود، توسعه‌ی معقول و منطقی اتفاق بیفتد. محدودیتی که طبیعت برای ما ایجاد می‌کند، شاید از یک سو محدودیت باشد، اما از سوی دیگر باعث می‌شود، از اختیاراتمان خارج نشویم.

شهر قشم از سال ۱۳۶۹ خورشیدی منطقه‌ی آزاد معرفی شده است. آیا منطقه آزاد مزایایی دارد؟ به طور دقیق تاثیراتی که بر روی شهر داشته، پیش و پس از اعلام شدن "منطقه آزاد" از لحاظ اقتصادی و اجتماعی چه بوده است؟

وقتی یک جایی به عنوان منطقه آزاد اعلام می‌شود، یک رشته از محدودیت‌های سرزمین اصلی برداشته می‌شود. با کم شدن این محدودیت‌ها، انگیزه برای حضور بیشتر می‌شود. در وهله‌ی اول حضور خود ساکنان همان کشور است. در کشور ایران مردم این آزادی را می‌بینند و در این منطقه سرمایه‌گذاری می‌کنند. این سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، گردشگری و هر زمینه‌ای که امکان طبیعی برای آن احساس شود، خواهد بود. قطعاً وقتی قشم به عنوان منطقه آزاد انتخاب شد، حضور مردم و سرمایه‌گذاران را به خوبی دیدیم. امید به آینده برای رسیدن به توسعه، باعث می‌شود، حضور و روند شهرنشینی تسریع پیدا کند، در نتیجه نیاز به مسکن، خیابان و فضای سبز بیشتر می‌شود. البته

مجموعه ویلایی و آپارتمانی ۲۲ بهمن





است؟ منطقه‌ی آزاد شروع خوبی برای شهر قشم بوده ولی بعدها جلوی رشد شهر گرفته شد. نظر شما چیست؟

- انتخاب محدوده باعث شده تا این مسائل پیش بیاید. شاید در وهله‌ی اول این گونه فکر کرده‌اند که اگر ما منطقه‌ی آزاد را در قشم بر پا کنیم، مشکل حل خواهد شد. ولی در دراز مدت این مشکل بیشتر شد. قشم به عنوان منطقه‌ی انرژی صنعتی و تولیدی است. ولی در کنار آن مسأله‌ی گردشگری وجود دارد. جزیره‌ای با ۱۵۰۰ کیلومتر وسعت نمی‌تواند، گردشگری نباشد، اما وقتی ما محدوده‌ی عمل یک قانون را خیلی گسترش می‌دهیم، کنترل را از دست خواهیم داد. در نتیجه پیامدهای منفی بیشتری خواهد داشت. عملاً نمی‌توان این دو مسأله را از هم تفکیک کرد.

توسعه و روند رشد، کمک بسزایی کرده و توانسته کل جزیره را پوشش دهد.

آیا در اداره‌ی شهر مرزبندی دارید؟ یا تداخل وظایف وجود دارد؟

- تداخل وظایف که وجود دارد. ولی دو مدیریت در کنار هم هستند. ما در خدمات، عمران و حمل‌ونقل شهری به عنوان مدیر شهری حضور داریم. سازمان منطقه‌ی آزاد هم واحدهایی دارد که مدعی است، خدمات شهری را به شهروندان ارائه می‌دهند. هر دو سازمان به طور موازی حضور دارند.

تدابیر به صورت رقابت یا برهمکنش؟

- گاهی اوقات این رقابت، کنشی هم ایجاد می‌کند. **قشم جزیره‌ای است که توانهای نهفته‌ی گردشگری بالایی دارد. آیا شهرداری توانسته است در این زمینه یک برنامه از پیش اندیشیده را داشته باشد که بتواند هدایت این گردشگری را برعهده بگیرد؟**

- مسلماً ما این اعتقاد را داریم که قشم یک جزیره‌ی کاملاً گردشگری است. ما فضای بالقوه را به بالفعل تبدیل کردیم. نقطه‌ی شروع سواحل بودند؛ سواحل که بدون هیچ هزینه‌ی خاصی در دسترس گردشگر قرار می‌دهیم. جاده‌ی ساحلی جنوبی جزیره‌ی قشم، امکان دسترسی ما را به سواحل بکر جزیره فراهم کرده‌است. ساحلی مانند ساحل جزایر ناز این ویژگی را دارد که وقتی دریا جزر می‌شود، خشکی است و با ماشین می‌توان به آنجا رفت و در این زمان دیگر جزیره نیست، اما وقتی دریا مد می‌شود، دوباره

در تعطیلات چهار روزه‌ی بهمن‌ماه، یک میلیون نفر وارد جزیره شده‌اند. جمعیت ما ۳۰ هزار نفر است، خدماتی که ما ارائه می‌دهیم، با گردشگرانی که داریم، برای چهل و پنج هزار نفر بسنده می‌کند. از اینرو نیازمند اعتبارات خاص هستیم.

به واسطه‌ی حضور منطقه‌ی آزاد، بخشی از قشم که توسعه یافته نبود، امروزه آباد شده است. خیلی از روستاهای کنونی آب ندارند. منطقه‌ی آزاد می‌توانست در آنجا باشد و آن مناطق را آباد کند ولی برای شهری با قدمت ۵۰ سال، وجود اسکله، جمعیت و گردشگر به



دسترسی داشته باشند. شهرداری چه تشکیلاتی راهاندازی کرده است که گردشگران بیشتری به مدت کوتاه، به تفریح بپردازند؟

- از پرسش شما دو مسأله برداشت می‌شود. یکی مسأله‌ی دریایی است، یعنی انتقال از روی آب به جزیره و مسأله‌ی دیگر جابه‌جایی مسافر در داخل جزیره است.

مسافرینی که وارد قشم می‌شوند، دو دسته‌اند. دسته‌ی اول با خودروی خودشان سوار بر شناور وارد جزیره می‌شوند. وقتی وارد جزیره شدند، محدودیت جابه‌جایی در کل جزیره به واسطه‌ی این که خودرو در اختیار دارند، کم می‌شود. دسته‌ی دوم با شناور وارد قشم می‌شوند. برای هر دو شکل امکانات لازم موجود است. البته در بحث ورود مسافر به وسیله‌ی شناور، شناور کم داریم و باید به حجم شناورهای استانده اضافه کنیم، تا جمعیتی را که پشت درهای اسکله هستند، جابه‌جا کنند. درباره‌ی انتقال خودروها هم باید گفت که شناورهای مخصوص خودرو و (پیش از آن) ساخت اسکله ضروری است تا شناورها بتوانند به آن پهلو گرفته و حجم زیادی از خودروها را در جزیره جابه‌جا کنند.

گفتنی است که بخش خصوصی هم درباره‌ی شناورهایی که مسافر و خودرو را جابه‌جا می‌کند، وارد عمل شده است. در تعطیلات چهار روزه‌ی بهمن‌ماه امسال، یک میلیون نفر وارد جزیره شده‌اند. جمعیت ما ۳۰ هزار نفر است، خدماتی که ما ارائه می‌دهیم، نهایتاً با گردشگرانی که داریم، برای چهل و پنج هزار نفر بسنده می‌کند. از اینرو ما نیازمند اعتبارات خاص هستیم.

قشم را جمعیت زیاد غافل‌گیر می‌کند. از طرفی در مورد شناورها، کشتیرانی وارد منطقه شده است. سازمان منطقه آزاد هم یک کشتیرانی را برای خود تعریف کرده است. در نتیجه‌ی این اختلافات، مسافر سردرگم شود.

اگر با شهرهای دیگر جزیره متحد شوید، آیا اتحادیه هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد؟

- خیر. شهرداری‌ها هنوز این قدرت را پیدا نکرده‌اند.

سازمان‌های متولی منطقه‌ی آزاد معمولاً کاری انجام می‌دهند یا خیر؟

- متناسب با نیازها، خیر. وقتی یک میلیون مسافر به شهر

معنای جزیره را پیدا می‌کند. یا در ساحل دلفین‌ها امروزه دسترسی و اطلاع‌رسانی خوبی فراهم شده است. ما در حد فاصله‌ی جزیره هنگام و جزیره قشم یک گله ۵۰-۶۰ تایی از دلفین‌ها را داریم که با قایق گردشگران را می‌برند تا از نزدیک شنا کردن دلفین‌ها را ببینند.

یکی از آثار باستانی، غارهای خریس است. با فضاسازی که انجام گرفته، امکان دیدار از این غارها فراهم شده است. همچنین سواحل زیبایی با عنوان پلاژ خصوصی داریم که امکان استراحت و شنا کردن را فراهم کرده است. در این بخش تاریکی شب مانع از استفاده ساحل می‌شد، به همین دلیل فضایی را ایجاد کردیم تا در طول شب روشن باشد. همچنین پارک‌های ساحلی در ساحل جنوبی قشم ایجاد شده که در داخل و بیرون شهر قرار دارند.

جایی داریم به نام "دره‌ی ستاره‌ها" که آثار طبیعی حاصل از فرسایش است. ما به آن استاله گفته (Estàle Kafte) می‌گوییم. استاله یعنی ستاره و گفته به معنی افتاده است.

وقتی گردشگر وارد این محیط می‌شود، احساس می‌کند که با دست درست شده است. "ژئوپارک" یک فضای بزرگ و بسیار طبیعی است که در قسمت‌های غربی‌تر از شهر قشم واقع شده. از دیگر آثار باستانی قشم، قبرستان انگلیسی‌ها و قلعه‌ی پرتغالی‌ها است که برای گردشگران جالب و دیدنی است.

در نوروز وضع دگرگون است و باعث می‌شود خیلی‌ها برگردند و نتوانند به مکان‌های دیدنی

وارد می‌شوند و امکان جابه‌جایی آنها فراهم نیست، یعنی متناسب با نیاز پیش نرفته‌ایم. به اندازه ای که اعتبارات به ما اجازه داده‌اند، فضا فراهم کرده‌ایم. اما جوابگوی این رشد نبوده و مسافران از رفتن به قشم منصرف می‌شوند. درحالی که باید فضایی ایجاد کنیم تا مسافران پشیمان نشوند.

درباره‌ی آب آشامیدنی، ما آب شیرین کن داریم. البته آب به صورت دائم در شبکه جریان ندارد. در طول شب امکان دسترسی نیست. مردم هم مخازن ذخیره‌ی آب منازل خود را پر می‌کنند.

امروزه در کیش بیش از ۱۰۰ هتل وجود دارد. در صورتی که وسعت کیش، $\frac{1}{15}$ قشم است. این بسترسازی برای قشم صورت نگرفته است. به نوعی می‌توان گفت، آمادگی پذیرایی و ارائه خدمات در زمان‌های مختلف (مخصوصاً عید) را نتوانسته‌اند، ایجاد کنند. مثلاً وقتی بارش باران مردم تهران را غافل‌گیر می‌کند، قشم را هم جمعیت زیاد غافل‌گیر می‌کند. از طرفی درمورد شناورها، کشتیرانی وارد منطقه شده است. سازمان منطقه آزاد هم یک کشتیرانی را برای خود تعریف کرده است. در نتیجه‌ی این اختلافات، مسافر سردرگم شود.

تأسیساتی من برای قشم به یک خواب طولانی تابستانی اعتقاد دارم. این خواب یک تهدید است. تعداد کمی از افراد می‌توانند، گرما را تحمل کنند، آیا غیر از این است؟

- در حال حاضر با امکانات سرمایشی زیادی که ایجاد شده، شرایط کمی بهتر است اما من هم "خواب" را تعریف درستی می‌دانم.

ولی در برابر یورش زمستانی و نوروزی جمعیت، عدم توازن بَدی به وجود می‌آید. چه تمهیداتی کرده‌اید که جمعیت در دوره‌ی خواب تابستانی در شهر و جزیره بمانند؟

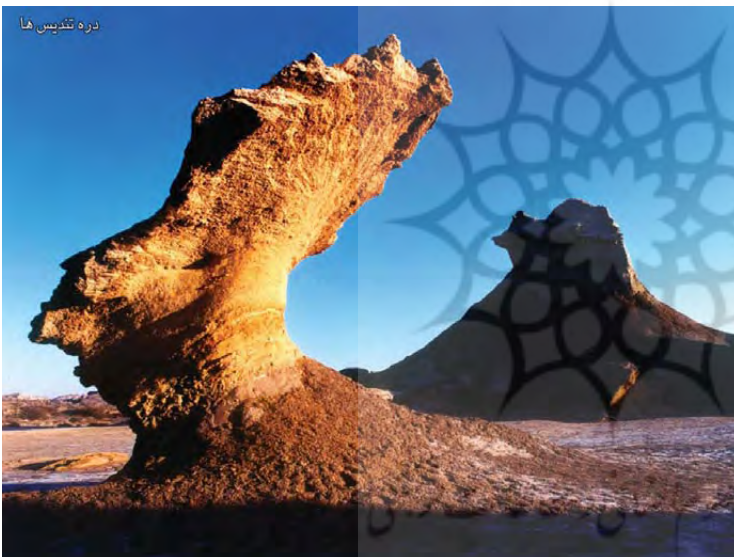
- تغییرات جغرافیایی را در این فضا قرار داده‌ایم. گاهی اوقات شش تا هشت ماه، این خواب را داشته‌ایم (مثلاً تعطیلات بهمن فاصله‌ای است تا پیش از نوروز که این رونق بیشتر شود) اما بعد از نوروز، این رونق کمتر می‌شود. از یک طرف پایان مدارس و دانشگاه‌ها انگیزه در مردم پدید می‌آورند، از طرف دیگر ما امکاناتی را فراهم کرده‌ایم تا انگیزه برای حضور، بیشتر شود. اگر در روز عادی سه

شناور مسئول جابه‌جایی خودروها باشند، در تعطیلات ۲۲ بهمن، این شناورها به ۱۵ عدد و نوروز به ۳۰ شناور افزایش می‌یابند.

با انگیزه‌هایی که برای بازاریان ایجاد کرده‌ایم، مثلاً کاهش هزینه‌های اقامتی، عوارض و... باعث شد تا این انگیزه در آنها ایجاد شود که در روزهای کم درآمدی به امید روزهای تعطیل بمانند.

در زمان پایان خواب جزیره، پل تبلیغاتی که شهرداری برای جذب جمعیت داشته، به چه صورتی است تا باعث شود، مسافران مناطق سردسیر جذب جزیره شوند؟

- ایجاد فضای خوب در جزیره این زمینه را فراهم می‌کند که وقتی مسافر وارد اسکله بندرعباس می‌شود، یک شناور کولردار خوب مسافر را تحویل بگیرد تا در طول مسیر، گرما



دره تندیس‌ها

و شرچی بودن هوا را احساس نکند. البته وجود خودروهای کولردار و خوب هم این امکان را فراهم کرده است. از طرفی مسافران هم می‌توانند برای ما تبلیغ کنند که رفتن به قشم در تابستان، سخت نیست.

باید در سه ماهه‌ی تابستان این کار را انجام دهید. اگر در مهر و آبان امکانات فراهم باشد، شاید مسافر هم نیاید. باید گفته شود که تابستان اینجا خیلی هم بد نیست یکی از لذت‌هایی که افراد در تابستان می‌برند، تحمل گرما است. به نظر من شما باید این سه ماهه را پُر کنید؟

- شهرداری توانایی‌های بالایی دارد. به واسطه‌ی

بسته‌بندی شده و در اختیار مسافران است(به هر حال آب معدنی خنک به صورت ویژه پخش می‌شود). در بخش دیگر پخش آب به صورت منبع آب سیاری است که در سطح شهر گذاشته شده. تأمین آب این منبع‌ها با تانکر است. ولی بیشترین توصیه‌ی ما این است که به لحاظ بهداشتی، آب تصفیه شده و بسته‌بندی را در اختیار مسافران بگذاریم.

اما درباره‌ی پسماندها؛ در این ایام تولید زباله چند برابر می‌شود. ما به صورت مکانیزه کار پسماند را انجام می‌دهیم. سطل‌های زباله، ماشین‌های مخصوص سطل‌های زباله که کار تخلیه را به محل موقت انجام می‌دهند و از آنجا به محل دفن منتقل می‌شوند. از ماشین‌ها و افراد زیادی استفاده می‌کنیم تا این ایام را کاملاً پوشش دهیم.

اکپی‌های بازرسی و پلیس ساختمان در قشمت این محدوده‌ها را کنترل می‌کنند. در شهر قشمت پدیده‌ی حاشیه‌نشینی دیگر وجود ندارد!

چقدر را جواب می‌دهد؟

است؟

- به صورت مکانیزه انجام می‌شود.

در این ایام چند تن زباله تولید می‌شود؟

- ۱۰۰ تن روزانه در خود قشمت تولید می‌شود. مثلاً در شهر درگهان حدود ۳۰ تن تولید می‌شود.

با کدام شهر یا جزیره خواهر خواندگی

دارید؟

- هنوز با هیچ شهری یا جزیره‌ای خواهر خواندگی نداشته‌ایم.

در بحث ساخت‌وسازهای شهری چقدر

نظارت کرده‌اید؟

- به لطف خدا بحث ساخت‌وساز با حضور سازمان نظام مهندسی بهتر شده است. مهندسانی که زیر نظر این سازمان کار می‌کنند، این مسئولیت را دارند که ساخت‌وساز استانده را انجام دهند. در کنار این مسأله خود شهرداری هم این مسئولیت را دارد که جلوی ساخت‌وسازهای غیر مجاز را بگیرد.

اکپی‌های بازرسی و پلیس ساختمان در قشمت این

اختلافات و دوگانگی‌های قانونی که ایجاد شده، تداخل در کارهای شهرداری زیاد است. در مورد ترابری، خدمات شهری و... شهرداری محدود است.

پیش از اینکه سازمان تأسیس شود، خدمات شهری را چه کسی ارائه می‌کرد؟

- شهرداری! اگر وظایف تفکیک شوند، می‌توان در این زمینه وارد شد و با توجه به اختیارات و اعتبارات که به شهرداری می‌دهند، مطمئناً بسترسازی می‌توان کرد. شهرداری می‌تواند توانمندی‌های خود را به حد مطلوب اطلاع‌رسانی کند. هنر ما این است که اطلاع‌رسانی بخش‌های عمده‌تری را پوشش دهد، تا کسانی که نیامده‌اند، این انگیزه را داشته باشند، به شهر مسافر کنند.

یکی از موضوعاتی که شما را در این زمینه طبیعی به چالش کشانده است، آب آشامیدنی است. برای چنین مشکلی چه کرده‌اید؟ مسأله‌ی دیگر پسماند است. این دو را توضیح دهید؟

- درباره‌ی آب آشامیدنی، ما آب شیرین کن داریم. آب مورد نیاز مردم از همین طریق و به صورت لوله‌کشی است.

چقدر را جواب می‌دهد؟

- شهر قشمت را جوابگو است. البته آب به صورت دائم در شبکه جریان ندارد. در طول شب امکان دسترسی نیست. مردم هم مخازن ذخیره‌ی آب منازل خود را پر می‌کنند. در ایام خاص به دو شکل آب تأمین می‌شود. یکی تأمین آب بهداشتی از طریق پاستوریزه و سیستم آبی است که



عکس ماهواره‌ای قشمت



محدوده‌ها را کنترل می‌کنند. در شهر قشم پدیده‌ی حاشیه‌نشینی دیگر وجود ندارد!

تجدیداً به خاطر جزیره‌ای بودن آیا هزینه ساخت بالاتر است؟

بله. ما بر پایه‌ی استاندارد نظام مهندسی باید نظارت کنیم. در جزیره‌ی قشم و روستاهای جزیره برای سقف از تیرهای چوبی استفاده می‌کنند. یکی از مزیت‌های آن این است که سقف سفالی نیست که بر اثر زلزله کامل پایین بیاید. این تیرهای چوبی از دو طرف منازل بیرون زده‌اند. همین امر باعث شده است که در زمان زلزله خسارت کمتری داشته باشیم.

در زلزله‌ی سال ۸۴ در قشم دو نفر از بین رفتند. روستایی به نام **کاورزین** کاملاً جابه‌جا شد. امروز دیگر به آنجا روستا گفته نمی‌شود و کاملاً ویران شده و روستاییان کمی آن سوتر ساخت‌وساز کرده‌اند.

تجدیداً شهر شما محدودیت ارتفاع دارد؟

بله، در مناطق مختلف براساس کاربری‌های‌شان و ضوابط‌شان، این محدودیت لحاظ می‌شود.

تجدیداً در حوزه‌ی آموزش شهروندی متولی

دارید؟

فرهنگسرای شهرداری بخشی از آموزش‌های شهروندی را ارائه می‌دهد. معاونت فرهنگی نداریم اما واحد کوچکتری داریم که این خلأ را پر کرده و با مردم ارتباط برقرار می‌کند. در بحث آموزش شهروندی شورایاران بازوی ما هستند. اگر قرار است کار کنیم، می‌توانیم از دانشگاه‌ها هم کمک بگیریم. با ارتباطی که با دانشگاه برقرار کردیم، قراردادی بسته شد تا بتواند نیروهای موردنیاز را بگیرد.

فرهنگسرای شهرداری بخشی از آموزش‌های شهروندی را ارائه می‌دهد. معاونت فرهنگی نداریم. در بحث آموزش شهروندی شورایاران بازوی ما هستند.

تجدیداً طی دو سال شهردار بودن، چه موضوعی

بیشتر از همه شما را به چالش کشانده است؟

ارتباط با سازمان منطقه آزاد یکی از چالش‌ها بوده است؛ اجازه دهند تا شهرداری هم دخالت کند! نمی‌شود که شهرداری ناقص باشد. شهرداری یا نباید باشد یا باید

کامل باشد. چون از شهرداری ناقص کار کامل نمی‌توان توقع داشت. ما در شهرداری قشم یک بدنه‌ی کارشناسی ایجاد کرده‌ایم و در قالب طرح تعدیل نیروی انسانی ۱۰۰ نفر را از بدنه جدا کردیم. با یک میلیارد هزینه توانستیم بدنه را کوچک‌تر و کارشناسی‌تر کنیم. نیروی کارشناسی ما نصف بدنه را تشکیل می‌دهند. درباره‌ی شهرداری الکترونیکی به سمتی رفتیم که شهروندان مجبور نشوند، فضای فیزیکی را طی کرده و وارد شهرداری بشوند تا خدمات مورد نیازشان را بگیرند. اتوماسیون اداری یکی دیگر از کارهایی است که انجام شده است. همچنین در برنامه‌ی اصل ۴۴، واگذاری بخش خصوصی را در دستور کار داریم.

شهرداری پیش از "آسایش" باید به دنبال "آرامش" شهروندان باشد. برای نمونه وقتی ما بولوار ساحلی را ایجاد کردیم، موج دریا را که باعث آرامش و لذت بردن شهروندان می‌شد، از آنها گرفتیم. به بهانه‌ی این که دسترسی ایجاد کنیم، آرامش را گرفتیم که این کار اشتباه بود.

دریایی که وقتی موجش شدید بود، جلوی پای فرد زانو می‌زد. وقتی بادها (نشی، کوژ و سیلی نام بادهایی که در قشم هستند) می‌وزند، موجها هم غرش می‌کنند اما وقتی به ساحل نزدیک می‌شوند، آرام جلوی پای ما تعظیم می‌کنند. اما وقتی سدی جلوی آن می‌زنیم، وارد حریم آن می‌شویم و دریا تمام قدرتش را به ما نشان می‌دهد و فرد را ۵۰ متر به عقب پرت می‌کند. اگر وارد حریمش نشویم، دریا هم ما را دوست دارد. متأسفانه ما این نگاه را نداشتیم و به بهانه‌ی آسایش، آرامش را گرفتیم.

متشکرم